

متحدانه صدای دادخواهان در بند باشیم!

شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران

اعتصاب های همگانی در نقاط مختلف کشور فراگیر شده است. تعداد اعتصاب کنندگان غذا در زندان ها برای دفاع از حقوق زندانی و انسانی هر روز بیشتر می گردد.

مردم معترض سرکوب، زندانی و شکنجه می شوند. زندانیان از حقوق اولیه یک زندانی، مانند تشکیل یک دادگاه عادلانه و بیطرف محرومند و به زندان های طویل المدت در سیاه چال ها و سلول های انفرادی مخوف محکوم می شوند. زندانیان از حقوق اولیه یک زندانی مانند حق بهداشت و پزشکی، ملاقات، ورزش، غذا و هواخوری برخوردار نیستند.

گرچه اعتصاب غذا به نوعی خودکشی شبیه است، اما یک زندانی که روز به روز به سوی مرگ هدایت می شود، برایش راهی به جز اعتصاب غذا نمی ماند. زندانیان سیاسی در ایران در هر لحظه با شعار یا مرگ یا زندگی روبرو هستند و روزانه ده ها بار هیولای مرگ را در برابر خود می بینند.

اعتصاب غذا آخرین تلاش یک زندانی است تا به وضع موجود اعتراض کند و صدایش را به بیرون از زندان برساند. با این که بنا بر قوانین بین المللی، در

هر کشوری دادگستری، قوه قضائیه، دولت و زندانبانان، مسئولان جان زندانیان می باشند، اما در ایران، سیستم ضد مردمی و دیکتاتوری رژیم اسلامی، علاوه بر اعدام ها، از راه های گوناگون دیگری مانند وادار به اعتصاب غذا یا نگاه داشتن زندانیان در شرایط کرونایی، دام مرگ تدریجی یا مرگ سفید را در راه زندانیان می گستراند. ما شاهد مرگ ده ها زندانی به این شیوه ها بوده ایم که مرگ (قتل) دردناک بکتابش آبتین آخرین آن ها تا به امروز بوده است.

هم اکنون در اعتراض به شرایط اسفناک زندان ها تعدادی از هموطنان ما در زندان های ایران دست به اعتصاب غذا زده اند. نام تعدادی از اعتصاب غذا کنندگان از این جمله است، حمید حاج جعفر کاشانی، محمود علی تقی، سینا بهشتی، محمد ابوالحسنی، امیر حسین مرادی (۳)، علی اصغر حسنی راد، مهدی دارینی، پیمان پورداد، معین حاجی زاده، حبیب افکاری، وحید افکاری و تعداد بسیاری از دادخواهان خارج از زندان ها...!

سردمداران حکومت اسلامی نه تنها به دادخواهی زندانیان، بلکه به خواسته های ملت ایران نیز کوچکترین اهمیتی نمی دهند. عزیزان در بند ما باید سلامت بمانند و روز محاکمه این جنایت کاران را در دادگاه های مردمی و بین المللی ببینند.

حکومت اسلامی ایران از همان روزهای نخست بر سر کار آورده شدن (همانند هم سرنوشت خود، طالبان در افغانستان)، تا به امروز دست به یک کار کثیف دیگری هم می زند که همانا گروگان گیری شهروندان خود در زیر نام دو تابعیتی ها است. رژیم می خواهد از این راه به کشورهای دیگر اعمال زور کند، تروریست های زندانی خود را با گروگان هایش مبادله کند.

در اعتراض به جنایت های ننگین حکومت اسلامی و در حمایت از اعتصاب غذا کنندگان در زندان ها، چند تن

از فعالان سیاسی و حقوق بشری نیز در برابر مقرر گفتگوهای برجام در وین دست به تحسن و اعتصاب غذا زده اند. ما نیز به همراه دوستان عزیز متحصن در وین از خواسته های دادخواهان همه زندانیان سیاسی پشتیبانی می کنیم. ما خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران، از جمله گروگان های در بند و در خطر اعدام و هموطنان دو تابعیتی می باشیم. ما مانند همیشه نقض فاحش و آشکار حقوق بشر در ایران و گروگان گیری شهروندان را به شدت محکوم می کنیم. ما خواهان قطع شکنجه و لغو مجازات اعدام در ایران هستیم. ما بر این باوریم که احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایران باید در صدر گفتگوهای کشورهای مذاکره کننده با ایران در وین باشد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران
۲۷ ژانویه ۲۰۲۲ برابر ۷ بهمن ۱۴۰۰

امضاء:

- ۱ - انجمن جمهوریخواهان ایران - پاریس
- ۲ - انجمن جمهوری خواهان آلمان و هلند
- ۳ - انجمن حقوق بشر و دموکراسی برای ایران - هامبورگ
- ۴ - انجمن فرهنگی ایران و سوئیس - ژنو
- ۵ - بنیاد اسماعیل خویی
- ۶ - مادران پارک لاله - دورتموند
- ۷ - حامیان مادران پارک لاله - هامبورگ
- ۸ - حامیان مادران پارک لاله - فرزنو
- ۹ - زنان برای آزادی و برابری پایدار

- ۱۰- شبکه همبستگی ملی فرزنو - کالیفرنیا
- ۱۱- شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران
- ۱۲- فدراسیون اروپا پرس
- ۱۳- کانون مدافعان حقوق بشر کردستان
- ۱۴- کمیته همبستگی برای حقوق بشر در ایران - نروژ
- ۱۵- کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی - پاریس
- ۱۶- کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - شیکاگو
- ۱۷- کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - هجا
- ۱۸- کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی
- ۱۹- نهاد «همه حقوق بشر، برای همه، در ایران»
- ۲۰- همبستگی جمهوری خواهان ایران (هجا) - مونترال
- ۲۱- همبستگی برای حقوق بشر در ایران - کلگری

**حاکمیت آزادیستیز بکتاش آبتین
را به قتل رساند**



بكتاش آبتين (۱۳۵۳-۱۴۰۰)

اعلاميه كا نون نويسندگان ايران

مردم ايران!

آزادیخواهان ايران و جهان!

بكتاش آبتين (۱۳۵۳-۱۴۰۰)، شاعر، فيلمساز، و عضو دلاور و برجسته‌ی كانون نويسندگان ايران را سرکوبگران آزادی‌کش عامدانه به قتل رساندند.

بكتاش آبتين روز ۱۲ آذر ماه با علایم آشکار کرونا به پهداری زندان اوین مراجعه کرد و تا سه روز بعد از آن بدون دریافت هیچ درمانی در مسیر میان بهداری و بند سرگردان بود. در روز ۱۵ آذر وخامت حال آبتين به جایی رسید که زندانبانان او را شبانه و در بیخبری کامل به بیمارستان منتقل کردند. با آن که دو روز بعد با پیگیر خانواده و همبندان آبتين سرانجام آشکار شد که او در بیمارستان طالقانی بستری است، اما مسئولان زندان و

بیمارستان هم‌چنان از دادن هرگونه آگاهی درباره‌ی بیماری آبتین امتناع می‌کردند. آبتین به تخت بیمارستان زنجیر شده بود؛ بدون ملاقات و بی‌هیچ خبری از بیرون. بدین‌گونه، ده روز حیاتی ابتدای بیماری در زندان و در بیمارستان طرف قرارداد زندان زیر فشار نیروهای امنیتی عامدانه تلف شد. روز ۲۲ آذر ماه، بدن نیمه‌جان آبتین به بیمارستان دیگری منتقل شد و روند درمان در شرایطی وخیم آغاز شد. بیماری، عوارض آن و فشار روانی ده روز نخست، ذره ذره جسم آبتین را تحلیل برد. روز ۱۱ دی ماه، پزشکان به ناچار او را به خواب مصنوعی فرو بردند تا شاید بتوانند او را از مرگ تدریجی تحمیل‌شده نجات دهند. ظهر ۱۸ دی ماه، قلب پرشور بکتاش آبتین ایستاد و برگ سیاه دیگری به جنایتهای جمهوری اسلامی افزوده شد.

بکتاش آبتین شاعری آزادی‌خواه و آزاداندیش بود که عمر کوتاه و پُر بار خود را دست‌مایه‌ی شورانگیزترین سروده‌های خود کرد؛ از رنج و شادمانی مردم نوشت و سرود آزادی را با همه‌ی وجود خویش زیست و جان گران‌قدر خود را فدای آزادی و آرمان‌های آزادی‌خواهانه‌ی کانون نویسندگان ایران کرد. او فیلم‌سازی شجاع و خلاق و مستقل بود که بی‌هراس از دیو مخوف سانسور زوایای زندگی انسان ایرانی را به تصویر کشید و صدها تصویر، ایده، و شعر ناسروده را با خود به آغوش خاک برد.

دریغا سرکوب‌گران ظلمت‌خو که این هنرمند مردمی و آزادی‌خواه را در اوج خلاقیت و بالندگی، در روز روشن از مردم و جامعه‌ی ادبی و هنری ایران ربودند، به زندان‌اش افکندند و عامدانه با اخلاص در روند درمان‌اش، چراغ پُر فروغ جان عاشق و شیدای او را در برابر طوفان بیداد نهادند و خاموش کردند.

کانون نویسندگان ایران چنان که پیش از این بارها اعلام کرده است، حاکمیت جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی و امنیتی آن را عامل و مسئول فاجعه‌ی مرگ و بلکه قتل تبه‌کارانه‌ی بکتاش آبتین می‌داند و صدای

دادخواهی خود را به گوش جهانیان می‌رساند و از همه آزادی‌خواهان، نهادهای مستقل هم‌سو و مدافعان حقوق بشر می‌خواهد چشم بر این جنایت نبندند و فریاد اعتراض خود را رساتر کنند.

کانون نویسندگان ایران همچنان نگران سلامت سه عضو زندانی خود، رضا خندان مهابادی، که هم اکنون با بیماری کرونا دست‌وپنجه نرم می‌کند، کیوان باژن و آرژ گنجی و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی است و بیم آن دارد که هر آینه با تداوم سیاست‌های جنایتکارانه، فاجعه‌ای دیگر به بار آید.

کانون نویسندگان ایران با ابراز تسلیت قتل بکتاش آبتین به خانواده، یاران او در کانون نویسندگان ایران، و جامعه مستقل فرهنگی کشور و اعلام تعهد به ادامه راه او در مبارزه با سانسور و دفاع از آزادی اندیشه و بیان بی‌هیچ حصر و استثنا در مراسم بدرقه و خاکسپاری او در کنار خانواده‌اش خواهد بود.

کانون نویسندگان ایران
۱۸ دی ۱۴۰۰

همبستگی با موج اعتصابات
معلمان در ایران



Union
syndicale
Solidaires



بیانیه چهار سندیکای فرانسوی در پشتیبانی از اعتراضات معلمان در ایران

در ایران بیماری همه گیر کرونا ویروس کوید ۱۹ بیداد می کند. در این شرایط و در مواجهه با سرکوب کماکان شدید رژیم حاکم، زنان و مردان کارگر در ایران به مبارزات خود ادامه می دهند.

اعتصاب ها چند برابر شده اند. آخرین نمونه اعتصاب معلمان که از ۱۱ دسامبر به مدت سه روز در سراسر کشور ادامه داشت. این اعتصاب به لحاظ گستردگی و مدت در چهل سال گذشت بی سابقه بوده است.

این اعتصاب توسط شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران فراخوانده شده بود و بطور وسیعی از آن استقبال شد. ده ها هزار معلم در بیش از صد شهر در آن شرکت داشتند.

در تهران، پایتخت کشور، چندین هزار معلم در برابر مجلس تجمع کردند. در این گردهمایی پلیس ضد شورش تلاش به حمله به معلمان کرد که توسط معلمان به عقب رانده شدند. رسول بداعی، معلمی که به خاطر فعالیت های سندیکایی ۷ سال در زندان به سر برده بود، دستگیر می شود.

افزایش حقوق و حقوق بازنشستگی، آموزش رایگان و همگانی برای همه، از جمله خواست های معلمان بودند. آن ها همچنین خواهان آزادی همکاران زندانی از جمله اسماعیل عبدی، مهدی فتحی، محمد رضا رمضانزاده و رسول بداعی شدند.

ما سازمان های عضو کلکتیو سندیکایی فرانسوی برای حمایت از دستمزدبگیران در ایران، بار دیگر بر حمایت و همبستگی خود با معلمان ایران تأکید داشته و:

- خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری اسماعیل
عبدی، رسول بداغی، مهدی فتحی، محمد رضا
رمضانزاده، هاشم خواستار، ناهید فتحعلیان، زینب
همرنگ، معصومه عسگری و لیلا حسین زاده هستیم؛

- خواهان لغو همه محکومیت های غیرعادلانه و خلاف
آزادی های و حقوق بنیادی هستیم؛

- خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه
مبارزین زندانی شده به خاطر فعالیت های سندیکایی
اشان هستیم؛

- هم چنین از رژیم ایران می خواهیم که به پیمان
های بین المللی که دولت ایران امضا کرده، از جمله
حق ایجاد تشکل های مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق
اعتصاب، و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد.

همبستگی بین المللی امری اساسی است، این مبارزات
را به گوش همه مردم جهان برسانیم!

پاریس، ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

(Confédération générale du travail (CGT

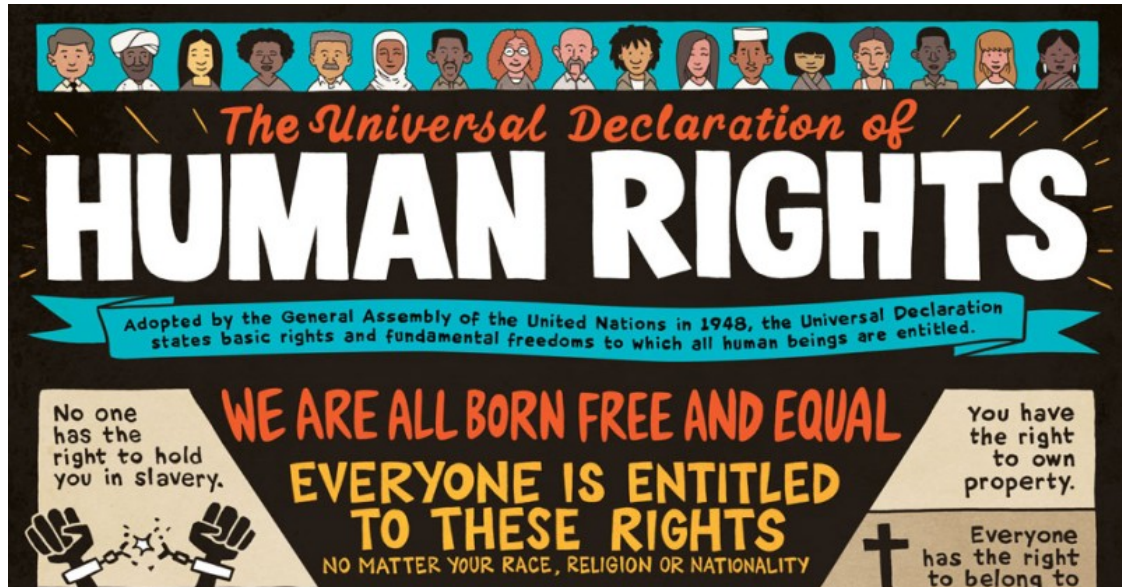
(Fédération syndicale unitaire (FSU

Union syndicale Solidaires

(Union nationale des syndicats autonomes (UNSA

در گرامیداشت ده دسامبر، روز

جهان‌نی حقوق بشر



بیانیه جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۷۳ سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌گذرد. در این بیانیه حقوق اولیه انسان‌ها در زمینه‌های گوناگون چون کرامت انسانی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... تعیین و مشخص شده‌اند. اگرچه بسیاری از کشورها اعلامیه جهانی را تصویب کردند، اما تا امروز نشان داده‌اند که در عمل بسیاری از مفاد آن را نقض و زیر پا می‌گذارند.

ایران اگرچه یکی از امضاء کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر است، اما تا به امروز به هیچ‌کدام از تعهدات بین‌المللی خود عمل نکرده است. از آغاز به دست گرفتن قدرت توسط حاکمان اسلامی، همواره شاهد نقض حقوق بشر در ایران هستیم، مانند دستگیری و محاکمه فعالان حقوق بشری، اجرای مجازات‌های غیرانسانی (شلاق، دادگاه‌های غیرعلنی) و اعدام

جوانان زیر هیجده سال.

فشار و سرکوب اقلیتهای دینی، وکلا، روزنامه‌نگاران، دانشجویان، زنان، کارگران و دیگر کسانی که دغدغه آزادی، عدالت اجتماعی و زندگی در جامعه‌ای با شان و کرامت انسانی را دارند، جزء سیاست‌های روزمره جمهوری اسلامی است.

یکی دیگر از پدیده‌های سیاست‌های واپسگرای و ضد حقوق بشری جمهوری اسلامی، کودکان کار و کودک همسری است. بنا بر آمارهای منتشر شده، در سال گذشته بیش از ۳۱ هزار دختر بین سنین ۱۰ تا ۱۴ سال ازدواج کرده‌اند.

پس از اعتراضات وسیع آبان ۹۸ که با سرکوب بی سابقه روبرو شد، شاهد مبارزات پیگیر و مستمر بخش‌های مختلف جامعه هستیم. کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر اقشار جامعه با استفاده از هر فرصتی برای اعتراض به خیابان‌ها می‌آیند. اگرچه حکومت اسلامی ایران کوشش می‌کند تا وضعیت را، به‌ویژه پس از انتخابات نهمین ۱۴۰۰، مطلوب و عادی نشان دهد، اما شرایط بحرانی اکنون ایران نشان از کشوری دارد که آستن حرکت وسیع توده‌ای است

اما در سایر کشورهای جهان نیز، ما همچنان شاهد نقض حقوق بشر هستیم: در آسیا (در چین، هنگ‌کنگ، هند، روسیه...)، در خاورمیانه (در ترکیه، عربستان، سوریه، عراق، اسرائیل...)، در کشورهای عربی (مصر، الجزایر...) و به‌طور مشخص در همسایگی ما در افغانستان، پس از به قدرت رسیدن مجدد طالبان شاهد نقض وسیع حقوق بشر و به‌ویژه محرومیت زنان و دختران از رفتن به مدرسه، دانشگاه و کار هستیم. سرانجام، کم نیستند مواردی که حقوق بشر در کشورهای دموکراتیک (اروپا، آمریکا...) نیز پایمال می‌شوند.

براساس گزارش سازمان جهانی کار، در جهان ۲۵۰ میلیون کودکان کار وجود دارد که ۱۲۰ میلیون از

آنها به کار تمام وقت مشغول هستند. میلیون‌ها کارگر با شرایط غیر انسانی و دستمزدی ناچیز در خدمت شرکت‌های بزرگ در کشورهای توسعه نیافته مشغول به کار هستند.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لاییک ایران، به مناسبت ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر در سراسر جهان، بار دیگر بر تعهد همه جانبه خود در دفاع از اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیوسته‌ها و میثاق‌های دیگر حقوق بشری تاکید می‌ورزد. در همین راستا نیز، بر اصل جدایی دولت از دین (لائیسیته)، به منزله یکی از مضامین دیگر حقوق بشری، پای می‌فشارد و از تمام کنشگران حقوق بشری در سراسر جهان پشتیبانی میکند.

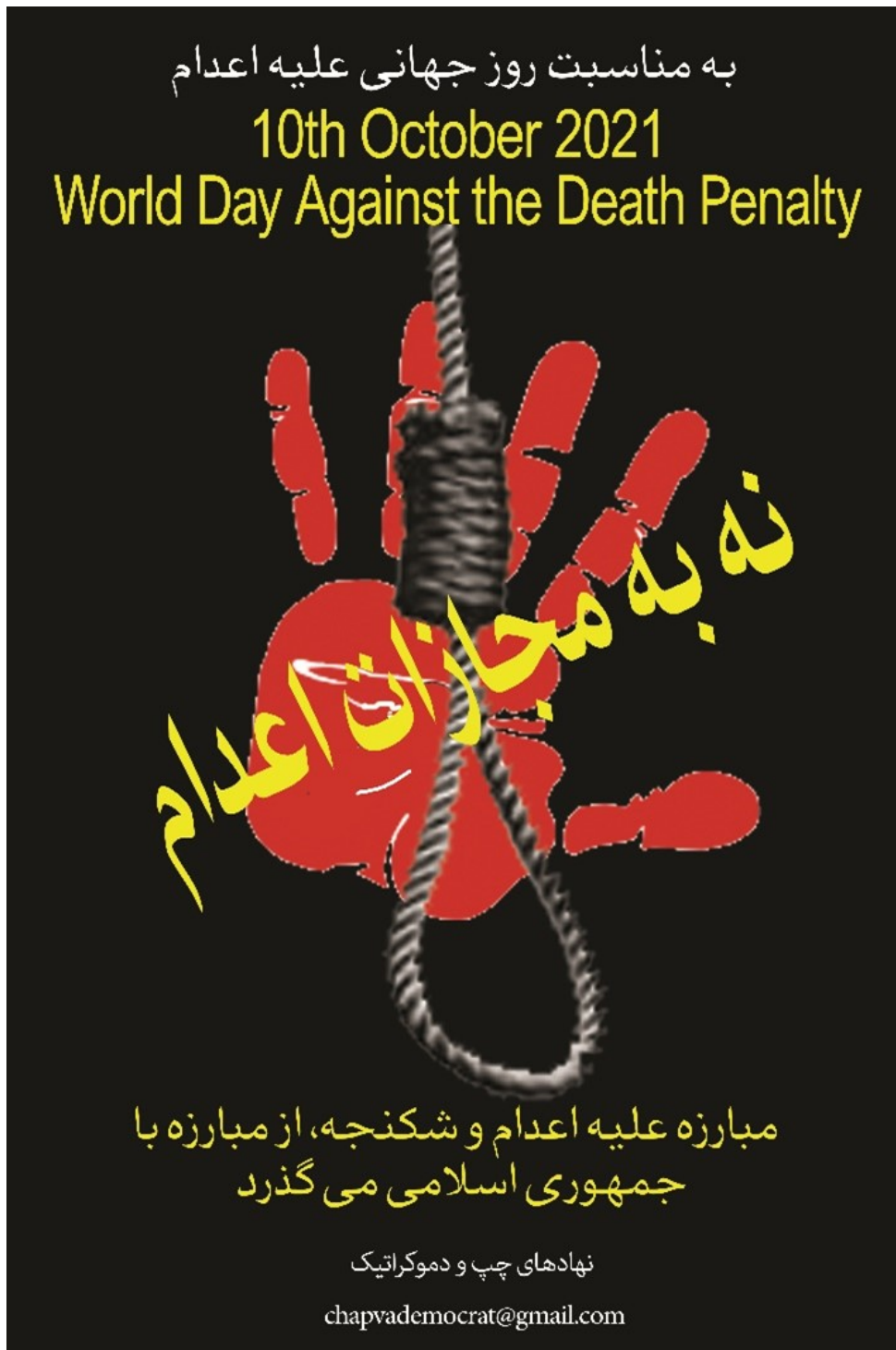
جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لاییک ایران

۱۰ دسامبر ۲۰۲۱ - ۲۰ آذر ۱۴۰۰



جنبش جمهور خواهان دموکرات و لاییک ایران

همه با هم علیه مجازات اعدام - گردهمایی در پاریس



برای لغو اعدام و شکنجه در ایران

گردهم آئی ، مقابل پانتئون ، پاریس
پنجم

یکشنبه دهم اکتبر 2021
از ساعت 15 تا 16 و 30 دقیقه

همراه ربا رعایت اصول بهداشتی و داشتن ماسک

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران
- پاریس

زمانه چه بازی ها که ندارد



گزارشی از محاکمه‌ی حمید نوری در دادگاه استکهلم
از کیومرث صابغی

“خبر کوتاه بود
اعدامشان کردند”

سایه

... اما اینبار... بلند بود و پر سر و صدا ... : “حمید نوری متهم ردیف اول به اتهام جرم “جنایت علیه بشریت” در دادگاه شهر استکهلم محاکمه میشود.”

و اینگونه بود که شهر استکهلم بار دیگر بگوش جهان دروازه گشود.

دادگاه استکهلم در وسط این شهر قرار دارد. بنای آن به سال ۱۹۱۳ میلادی بر میگردد و چندین درب ورودی دارد. بر سر در یکی از ورودی ها پیکر نیم تنه و چشم بسته زنی نقش نشسته که در دستی ترازوی عدالت دارد و در دستی دیگر شاخه ی زیتون. درخت زیتون یکی از دیر بار ترین درخت ها است و بنا بر افسانه های یونان قدیم نماد صلح و نیکخواهی؛ اما در عهد عتیق نماد رابطه بین انسان و زمین است. آیا به همین خاطر است که رسیدن به عدالت کاری است نه چندان سهل؟

امروز چهارمین هفته آغاز محاکمه حمید نوری با شهادت یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق که گفت “هنوز بعد از ۳۳ سال از درد حاصل از شکستن فک هایم هنگام شکنجه رنج میبرم” به پایان رسید. این دادگاه تا اواسط ماه آوریل سال ۲۰۲۲ ادامه خواهد یافت. هفته اول، و سه روز آغاز قرائت کیفرخواست از طرف دادستان، بیرون دادگاه شوری داشت. هواداران سازمان مجاهدین خلق با تمام تجهیزات مجهز و فراوانشان در گوشه ای و بقیه نیروها، عمدتاً چپ ها، با پلاکارد ها، بنرها و تصویر های عزیزانشان روبروی دادگاه شاهد مورد خطاب قرار گرفتن چهره رژیم جمهوری اسلامی - حمید نوری - بودند.

خطابیه شامل شمارش لیست بیعدالتی ها، تجاوزات، کشتارها و پایمال کردن‌های عدیده حقوق انسانی شهروندان کشور ایران بود. قاضی دادگاه متعجبانه میشنید و متهم، بی آنکه خطی بر چهره اش ظاهر شود، زل زل نگاه میکرد. زمانی بازجو بود و شکنجه گر و گستاخ، حال به تعارض گذشته مورد بازجویی قرار گرفته بود. وه که چه چرخشی!!!

در صدر اتاق دادگاه قاضی و دستیارانش نشسته اند. در طرف راست ایشان وکلای حمید نوری نشسته اند و بعد خود نوری که با دستبند به دادگاه وارد میشود. در سوی چپ، دادستان و دستیارش جای دارند و در میان دادگاه شاهد ها، شاکیان، گزارشگران، مترجمین و دیگر وکلا قرار دارند. جلسات دادگاه آرام است، مگر آن زمانی که شاهد ها با حق‌گریه‌ها ایشان از بی عدالتی‌های رژیم یاد میکنند، که نشان از حفظ حرمت و شان انسانی است.

حمید نوری در ماه نوامبر سال ۲۰۱۹ هنگامی که هواپیما در فرودگاه شهر استکهلم بزمین مینشیند دستگیر میشود و همچنان، پس از نزدیک به دو سال، در زندان بسر میبرد.

اما چگونه و بر اساس چه ضابطه ای دولت سوئد توانست یک شهروند ایرانی را در خاک کشورش بازداشت کند؟

ادعای نامه - کیفر خواست - دادستان بر اساس دو بند که بخشی از مصوبات قانون قضائی در حمایت از شان بشریت میباشد تدوین شده است:

الف - جرم علیه قوانین بین المللی و جرائم جنگی

ب - قتل عمد

در این پرونده شباهت هایی، اگر چه نه چندان چشم گیر، با دادگاه نورمبرگ وجود دارد که در هر دو مورد جنایات جنگی علیه انسانها مورد موآخذه قرار گرفتند. و دولت سوئد هم بر اساس همین اصل

یعنی "اصل صلاحیت قضائی جهانی" حمید نوری موسوم به حمید عباسی را دستگیر و بدون وثیقه ایشان را تا بحال در زندان نگاه داشته اند. این بدین معنی است که پرونده ایشان بسیار جدی است. نکته قابل ذکر در اینجا اینکه ایشان در آغاز مدعی بودند که نامش حمید نوری است و شاهد ها به دروغ از وی بنام حمید عباسی یاد میکنند. اما پس از آنکه با رجوع به تلفن همراه وی و دستیابی به پیامهای او به مراجع قانونی ایران با نام مستعار حمید عباسی روشن میگردد خود اوست، دست از این ادعا برداشت و هویت اش را پذیرفت.

اما در تعریف بند الف - در تعریف این بند آمده است: آسیب رسی حاصل از صدمات ناشی از شکنجه و رفتارهای غیر انسانی.

و در تعریف بند ب - قتل عمد: این بند شامل رفتارهای غیر انسانی که منجر به مرگ انسانها شود، میگردد.

هر دو این بندها در مورد آقای حمید نوری مصداق پیدا میکند به دلیل حضور:

۱- شاهد ها: این شاهدها شامل همه کسانی میشود که، در دورانی که اعدامهایی که بمنظور پاکسازی زندانها و بویژه زندان گوهردشت و بر حسب دستور خمینی صورت میپذیرفت، با حمید نوری که در آنزمان با سمت دادیاری در زندان گوهردشت خدمت میکرد برخورد های مستقیم داشته اند. و اینکه ایشان در آنزمان از طریق ناصری - رئیس زندان و لشگری - معاون قضائی زندان، در خدمت هیت مرگ - مرکب از: رئیسی، نیری و پورمحمدی - بودند.

۲- شاکیان: این شاکیان شامل همه کسانی میشود که الف - از حمید نوری و نقش ایشان در آزار رسانی به زندانیان بین سالهای ۶۱ تا کشتارهای سال ۶۷ با خبر بوده اند اما در زمان کشتارهای سال ۶۷ در زندان گوهردشت حضور نداشتند؛ ب - شامل حال همه

کسانی میشود که اگر چه در زندان نبوده اند اما از نقش حمید نوری در قتل عزیزانشان با خبرند.

تا کنون اکثریت قریب به اتفاق شاهد ها را هواداران سازمان مجاهدین خلق تشکیل داده اند و چپ ها شاکیان را. اما آنچه که به گمان من در این دادگاه اهمیت دارد این نیست که "چی متعلق به کیست"، بلکه چهره و وجدان رژیم به محاکمه کشیده شده است که خباثت هایش علیه بشریت، بی هیچ کم و کاستی، اگر بنا به تعریف نسل کشی نباشد چیزی از آن کم ندارد.

در طول زمان برگزاری این دادگاه حوادثی هم رخ داد که شاید گفتنی باشند. برای من مهمترین رخ دادها مشاهده بیش از چند صد عکس بود که قربانیان ذهنیت و نظم فکری انسانهای متحجر بنا بر کورنگری عقیدتی که توانایی تحمل دیگران را ندارند، شده بودند. دختر خانمی را دیدم که عکس دختر جوانی را در بغل داشت، از او پرسیدم این کیه؟ گفت خواهرم است، هفده سالش نشده بود که بجرم پخش روزنامه اعدامش کردند. بغلش کردم و هر دو گریستیم. خانمی را دیدم که بدنبال پسرش بود، برادری که از دیگران سراغ برادرش را میگرفت و زنی که عکس شوهرش را روی پیراهن نقش کرده بود و پرسیده بود "بر سر شوهر من چه آمد".

حمید نوری کوشش میکند که بگوید: من در آن دورانی که کشتارهای سال ۶۷ رخ میداد در گوهردشت نبودم و شغل من هم فقط رسیدگی به مسائل زندانیها بوده است. اما دادستان، شاهد ها، شاکیان، تماشاچی ها، ناظرین بین المللی و وجدان های آگاه و مترقی در صدد آنند تا به ایشان بگویند: ای نادان، این تو نیستی که محاکمه میشوی، باور کور و بد خیم تو و راویان توست که بشریت همزمان با محاکمه ی تو از آن دور میشود.

در خاتمه، من اصلا در انتظار پایان محاکمه و حکم دادگاه نیستم. اینکه امروز جهان ناظر محاکمه رژیم

جمهوری اسلامی در چهره حمید نوری است خود حکم
انسانی است و نه فرمان الهی. من را بس.
کیومرث صابغی - استکھلم
پانزدهم سپتامبر سال ۲۰۲۱